

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی
۱۷ اکتوبر ۲۰۱۴

دروغ های شیخ حسن روحانی!

(ایران امن ترین کشور منطقه است!؟)

همه دیکتاتورهای جهان، از یک سو مخالفان خود را شدیداً سرکوب می کنند و از سوی دیگر، همواره به جامعه دروغ می گویند و به هر جنایتی متوسل می شوند تا قدرت و حاکمیت خود را به هر بهائی حفظ کنند.

برای نمونه آدولف هیتلر در کتاب معروف خود به نام «نبرد من»، می گوید مردم شکست المان در جنگ جهانی اول را به این دلیل پذیرفتند که یهودی های دارای نفوذ در مطبوعات از این تکنیک استفاده کردند. از نظر او این روش مستلزم آن است که باید دروغ آن چنان عظیم باشد که باورش آسان باشد. اولین مورد استفاده دروغ بزرگ در این جمله معروف او مستند شده است: «در دروغ بزرگ همواره نیروی قابل باور بودن موجود است!»

شایع است «یوزف گوبلز» که وزیر تبلیغات هیتلر بود این تئوری را با کمی تغییر ادامه داده است؛ به این گونه که مردم دروغ بزرگ را زودتر از دروغ کوچک باور می کنند و اگر دروغی را مکرراً تکرار کنید، دیر یا زود آن را باور خواهند کرد.

سران و مقامات حکومت اسلامی نیز از موضع افکار فاشیستی - اسلامی شان، روز روشن به جامعه دروغ می گویند بدون این که ذره ای اخلاق و شرم داشته باشند.

روح الله خمینی که همه جناح ها و سران و مقامات حکومت اسلامی، خود را ادامه دهنده راه او می دانند مظهر بی رحم ترین سفسطه گران و دروغ پردازان تاریخ بشریت بود. او حکومت اسلامی و اسلام را دینی صلح جویانه و آزادیخواه می نامید. او هرگونه قدرت گرفتن روحانیون را در حکومت آینده ایران منتفی می دانست و حقوق بشر را برای معترضان به سیاست های حکومتی خواهان بود. اولین سخنرانی او در گورستان بهشت زهرا پس از بازگشت به ایران وعده های دروغین آب و برق و خانه مجانی و ... بود.

در حالی که خمینی پس از رسیدن به قدرت، خلاف همه وعده هایش، یکی از مخوف ترین و جانی ترین حکومت های اسلامی را پایه نهاد و در واقع نام «شاه» را به «ولایت فقیه» تغییر داد. او حتی دست آوردهای هر چند ضعیف اجتماعی و مدرن جامعه ایران را نابود کرد و کشور را به زندانی بزرگ برای اکثریت شهروندان ایران با قوانین وحشیانه قرون وسطائی دوران ۱۴۰۰ سال پیش تبدیل کرد.

اکنون نیز شیخ حسن روحانی، آن چنان از حق شهروندی، رعایت حقوق بشر، احترام به انسان ها، مبارزه با تروریسم، مبارزه با فقر و غیره سخن می گوید که تمام واقعیت ها و شواهد و قراین نشان می دهند دولت او، یکی از جانی ترین و

مستبدترین و امنیتی ترین حکومت های منطقه و جهان است. حکومتی که در جهان در صدر اعدام ها قرار گرفته و حتی حکومت اسلامی، تنها حکومت دنیاست که کودکان را نیز اعدام می کند. هر نوع انتقاد به سران حکومت، جرم بزرگی محسوب می شود و خطر زندان و شکنجه و اعدام در انتظار این منتقدان است. تازه مخالفان که جای خود دارند. در حالی که حکومت اسلامی ایران به جمعیت کنونی ایران، بی توجه است و نیازهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن ها را نه تنها تأمین نمی کند، بلکه هر صدای اعتراض به حق را نیز بی رحمانه خفه می کند؛ با این وجود خامنه ای فریاد می زند که جمعیت ایران باید دو برابر شود. جامعه ای که هم اکنون حدود ده میلیون بیکار دارد اگر دو برابر شود چه فاجعه ای رخ خواهد داد؟! هم اکنون طرح دو برابر کردن جمعیت ایران، به مجلس ارتجاع واگذار شده است.

ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت روحانی هم می گوید درباره خطر سونامی بزرگ ۱۰ میلیونی بیکاری گزارشی به رئیس جمهور داده شده و به نوعی در این بخش آژیر قرمز هم به صدا درآمده است. او هم چنین عنوان کرد طبق گزارش مرکز آمار ایران در سال های گذشته سالیانه در بهترین حالت فقط ۷۵ هزار شغل جدید به صورت متوسط ایجاد شد و این میزان هرگز پاسخ گوی سیل متقاضیان کار در کشور نبوده و نخواهد بود. اما هنوز هم دولت روحانی هیچ اقدام جدی درباره اشتغال انجام نداده است.

سال هاست که بخشی عظیمی از مردم ایران کرایه نشین و یا در حاشیه شهرها در حلبی آبادها زندگی می کنند. اما محمود احمدی نژاد رئیس جمهور سابق حکومت اسلامی، می گفت برای هر خانواده ایرانی یک ویلا خواهیم داد که هزار متر مساحت داشته باشد. سرانجام هشت سال ریاست جمهوری او تمام شد و جایش به را به شیخ حسن داد بدون این که کسی خبری از اجرای طرح زمینی به وسعت هزار متر مربع و ساختن یک ویلا و باغ میوه شنیده باشد. به عکس به رقم بی خانمان ها و کارتن ها باز هم افزوده شد.

در ادامه این بحث، به نقش ارتجاعی حکومت اسلامی در ناامن کردن و بی ثبات نمودن ایران و کشورهای منطقه ادامه می دهیم تا با فاکت های روشن و شفاف و آمارهای خودشان دروغ ها و ادعاهای کاذب شیخ حسن روحانی را برملا کنیم.

روز پنجشنبه سوم مهر [میزان] ۱۳۹۳، حسن روحانی در شصت و نهمین جلسه سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک سخنرانی کرد. بخش زیادی از سخنرانی روحانی تلاشی بود برای متقاعد کردن قدرت های غربی نسبت به تغییر سیاست های حکومت اسلامی در رابطه با مسائل مربوط به مناسبات حکومت شان با امریکا و کشورهای منطقه. او در این سخنرانی، تلاش کرد به غرب و امریکا اطمینان دهد که حکومت اسلامی آمادگی دارد تا همگام با آن ها در جهت منافع سرمایه داری، گام های جدی بردارد. او تلاش کرد که به این دولت ها اطمینان دهد سیاست ها و ستراتیژی حکومت اسلامی با غرب و منطقه تغییر کرده است.

او خواست در سازش با غرب، از بحران های حکومت بکاهد تا برای یک دوره دیگر بقای آن را تضمین کند. روحانی در بخشی از سخنانش چنین گفت: «... کشور من تلاش برای تعامل سازنده با کشورهای همسایه است.» او گفت: «اگر رویکرد درست در پیش گرفته نشود، به سمت منطقه ای پرتلاطم خواهیم رفت و راه درست مواجهه با افراط گرایی نه از بیرون، بلکه با محوریت و ابتکارات درونی، قابل تصور است.»

حسن روحانی در سخنرانی خود، دروغ های به اصطلاح شاخداری را تحویل هم کیشان خود داد که اگر کسی او و حکومت شان را نشناسد شاید با شنیدن اعاهای روحانی این طور تصور کند که ایران آزادترین و امن ترین کشور جهان است و به همین دلیل آن ها راه حل سیاسی فوق العاده ای نیز نه تنها برای اداره جامعه ایران، بلکه برای جهان دارند؟!

روحانی در سخنان روز پنجشنبه خود در سازمان ملل، مدعی شد که ایران، در منطقه «پراشوب و پرتلاطم خاورمیانه»، یکی از «با ثبات ترین و امن ترین کشورها» است و گفت که جمهوری اسلامی «از هرگونه همکاری میان کشورهای مسلمان برای مبارزه با افراطی گری، تهدید و تجاوز حمایت می کند و آماده است نقش دائمی سازنده و مؤثر خود را ایفاء کند.»

روحانی گفت: برای مقابله اصولی با تروریسم، باید ریشه های آن را شناخت و چشمه های آن را خشکاند. تروریسم در بستر فقر، بیکاری، تبعیض، تحقیر و بی عدالتی می روید و با فرهنگ خشونت رشد می کند. روحانی تأکید کرد: برای ریشه کن کردن تروریسم باید عدالت و توسعه را گستراند و از تحریف ادیان الهی برای توجیه قساوت و بیرحمی جلوگیری کرد.

روحانی خاطر نشان کرد: درد بزرگ تر آن است که این تروریست ها به نام دین، خون می ریزند و به نام اسلام سر می برند، می خواهند این حقیقت مسلم تاریخ را پوشیده نگهدارند که بر اساس آموزه همه پیامبران الهی از ابراهیم و موسی تا عیسی و محمد (ص)، کشتن یک انسان بی گناه همانند کشتار همه بشریت است.

او ادامه داد: من در شگفتم این گروه های آدمکش، گروه خود را اسلامی می نامند و شگفت آورتر آن که رسانه های غربی نیز در همراهی با آنان، این نام مجعول را که تنفر همه مسلمانان را برمی انگیزد، تکرار می کنند؛ غافل از آن که مسلمانانی که هر روز خدای خویش را به صفت رحمانیت یاد می کنند و از پیامبر خویش درس عطوفت و محبت آموخته اند، این افتراء ها را، بخشی از پروژه اسلام هراسی می شمارند.

او مدعی شد: به یاد داشته باشیم که ایران، روزی همه را به «گفت و گو» دعوت کرد که هنوز جنایت ۱۱ سپتامبر، رخ نداده بود و روزی به «جهان عاری از خشونت و افراطی گری» خواند، که هنوز خشونت های اخیر ظهور نکرده بود. شاید سال گذشته، تعداد اندکی، آتش شعله ور شده کنونی را پیش بینی می کردند. اما امروز خشونت و افراطی گری بدون مهار، خود را به صورت یک تهدید قطعی جهانی، نمایان ساخته است.

روحانی افزود: سال گذشته با ارائه طرح «مبارزه با خشونت و افراطی گری» که با استقبال گسترده ای روبه رو شد، کوشش کردم تا کشورم نقش خود را در تحقق صلح و امنیت منطقه ئی و بین المللی، ایفاء کند.

آیا واقعاً ایران یکی از «با ثبات ترین و امن ترین کشورها» است؟ آیا ایران برای چه کسی امن و برای چه کسانی ناامن است؟ آیا حکومت اسلامی ایران، مخالف ترور است یا خودش تروریست صدها ترور مخالفان و غیره را در کارنامه سیاه خود دارد؟ حکومت اسلامی، در امور داخلی کشورهای منطقه دخالت نمی کند؟ این ادعاهای روحانی، هم واقعیت دارد و هم غیرواقعی است و دروغی بزرگ! به این معنی که ایران برای سران و مقامات و نزدیکان و حامیان حکومت اسلامی «بهشت برین» است. چرا که آن ها به ثروت های بادآورده ای دست پیدا کرده اند که شاید حتی یک روز هم برای آن زحمت نکشیده اند؛ آن ها از هرگونه رفاه و آزادی و قدرت و ثروت برخوردارند. آن ها مخالفان خود را گروه گروه اعدام می کنند. حتی افرادی را اعدام می کنند که قربانی فقر و اعتیاد و بیکاری هستند. پس برای آن ها، ایران با ثبات ترین و امن ترین کشور منطقه محسوب می شود و از این دیدگاه حق با روحانی است.

اما حکومت اسلامی ایران، نه تنها در سی و پنج سال گذشته، هیچ نقش سازنده ای برای مردم ایران نداشته، بلکه داستان همه سران و مقامات این حکومت، به خون ده ها هزار انسان آلوده است. امروز به یمن سیاست های اقتصادی این حکومت، اکثریت مردم ایران در فقر و فلاکت زندگی می کنند به طوری که کلیه فروشی، تن فروشی، طلاق و خودکشی سال هاست که خط قرمزها را پشت سر گذاشته است و این قربانیان هیچ دادرسی و فریادرسی ندارند. به لحاظ سیاسی، منتقدین و مخالفین این حکومت، یا اعدام شده اند و یا در زندان ها در زیر شدیدترین شکنجه ها به سر می برند و یا مجبور به ترک کشور شده اند. زنان به طور سیستماتیک سرکوب می گردند و آپارتاید جنسی روزبه روز گسترده

تر می‌گردد. کودکان از کم‌ترین حقوقی برخوردار نیستند و میلیون‌ها کودک به جای این‌که راهی مدرسه شوند به بازار بی‌رحم سرمایه‌داری رانده شده‌اند. آن‌ها را شدیداً استثمار می‌گردند و با خطرات زیادی هم‌روبرو هستند. بازنشستگان مورد تحقیر و توهین قرار می‌گیرند. آثار بسیاری از نویسندگان و روزنامه‌نگاران و هنرمندان به تیغ سانسور سپرده می‌شود و رابطه آن‌ها را با جامعه قطع کرده‌اند. اقلیت‌های ملی و مذهبی به‌طور وحشیانه‌ای سرکوب می‌گردند.

به این ترتیب، ایران تحت حاکمیت جمهوری جهل و جنایت و ترور اسلامی، برای اکثریت شهروندانش به ویژه کارگران و محرومان جامعه، جهنمی سوزان و ناامن است. به خصوص ثبات و امنیت در یک کشور، صرفاً به جنگ و کشتار محدود نمی‌شود، بلکه همه عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در برمی‌گیرد. بنابراین، روحانی کاملاً دروغ می‌گوید.

حکومت اسلامی ایران در روابط بین‌المللی و منطقه نیز نه عامل ثبات و امنیت، بلکه مستقیماً عامل ترور و وحشت و جنگ و خونریزی در کشورهای دیگر مانند عراق، سوریه، لبنان، فلسطین، افغانستان و حتی برخی کشورهای آفریقایی است.

معاملات نهان و آشکار حکومت اسلامی و رقبایش و در راس همه حاکمیت آمریکا، در راستای منافع اقتصادی، سیاسی، نظامی و تاکتیکی و استراتژی‌شان است و ربطی به منافع مردم ایران و آمریکا و عراق و جهان ندارد. چرا که امروز اکثریت حکومت‌های جهان، بنا به جایگاه و قدرت‌شان مستقیم و غیرمستقیم در رشد و گسترش جنگ و تروریسم دولتی و غیردولتی و قحطی و گرسنگی ساکنان کره زمین و نابودی محیط‌زیست نقش دارند. به عبارت دیگر، اگر تا دیروز حکومت اسلامی ایران و آمریکا در منطقه به خصوص عراق و سوریه در مقابل هم بودند اما اکنون ظاهراً بر علیه «خلافت اسلامی» یا همان داعش، در حال چانه‌زنی و بده و بستان هستند.

نقض حقوق اولیه انسان و به تبع آن اعدام، یک سیاست پایه‌ای حکومت اسلامی ایران است. دولت حسن روحانی در این عرصه نیز همان سیاست‌های گذشته را ادامه می‌دهد.

دبیرکل سازمان ملل در گزارشی که ماه گذشته در مورد نقض مداوم حقوق بشر در ایران منتشر کرد، شمار اعدام‌ها در ایران را در طول یک سال ریاست جمهوری حسن روحانی، یعنی ۲۰۱۳ میلادی بین ۶۲۴ تا ۷۲۷ مورد ذکر کرد.

سازمان عفو بین‌الملل، تشکیلات حقوق بشری مستقل در لندن، هم‌زمان با حضور حسن روحانی در نیویورک، در نامه‌ای ویژه از او خواست که به وعده‌هایش در باره حقوق بشر متعهد باشد.

این سازمان با یادآوری تعهد ایران به همکاری با گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲، از روحانی خواست ضمن ایجاد شرایط بازدید این گزارشگر از ایران، مسیر حضور کارشناسان مستقل حقوق بشری را به ایران هموار کند.

عفو بین‌الملل در بخشی از این نامه گفته است: «از سال ۲۰۰۵ تا کنون هفت بار از ایران خواسته شده تا امکان بازدید گزارشگر حقوق بشر را فراهم کند، اما این خواسته هیچ‌گاه عملی نشده است. این موضوع در عمل نقض تعهدات ایران در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ است. اعدام‌های بی‌قاعده، اعمال تبعیض در قبال زنان و اقلیت‌های ایرانی، سانسور رسانه‌ها و نقض آزادی بیان از جمله مواردی است که بازدید گزارشگر حقوق بشر از ایران می‌تواند به‌بتر شدن آن کمک کند.»

عفو بین‌الملل نسخه‌ای از این نامه خود را به علی‌خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی، صادق‌آملی‌لاریجانی، رئیس‌قوه قضائیه، و محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، ارسال کرده است.

احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل در رابطه با وضعیت حقوق بشر در ایران، روز چهارشنبه یکم آبان ماه ۱۳۹۳ - ۲۳ اکتبر ۲۰۱۴، در بیست و چهارمین جلسه کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل، سومین گزارش میان دوره ای خود را که شامل ۱۳۷ مصاحبه بود، ارائه کرد.

از مهم‌ترین موارد گزارش احمد شهید افزایش تعداد اعدام‌ها در ایران بود که او ضمن ابراز نگرانی از آن، از صدور حکم اعدام در ایران برای جرائمی که در طبقه بندی جرائم سخت (مانند قتل) نیست، انتقاد کرد. او از وضعیت آزادی بیان در ایران نیز انتقاد کرد و گفت از ژانویه سال جاری میلادی تاکنون ۱۵ روزنامه نگار و وبلاگ نویس دستگیر و پنج میلیون وب سایت مسدود شده اند.

گزارشگر سازمان ملل نسبت به نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی در ایران مانند یارسان، بهائیان، مسیحیان و مسلمانان سنی هشدار داد. او هم چنین وضعیت بهداشتی و شرایط داخل زندان‌ها در ایران را مورد انتقاد قرار داد.

وی در ادامه به اهمیت اشاعه فرهنگ «تحمل» اشاره می‌کند و از حکومت ایران می‌خواهد که از تبعیض علیه زنان و دختران و هم چنین اقلیت‌های قومی و مذهبی جلوگیری کند. این گزارش به صورت مشخص خواستار تضمین حکومت ایران برای تعیین حداقل سن ازدواج دختر با استانداردهای جهانی است.

احمد شهید در گزارش خود با اشاره به ازدواج ۴۸ هزار و ۵۸۰ دختر بین سنین ۱۰ تا ۱۴ ساله در سال ۲۰۱۱ نوشت که ۴۸ هزار و ۵۶۷ نفر از این دختران قبل از ۱۵ سالگی حداقل یک فرزند داشته‌اند.

بنا بر گزارش احمد شهید، از اول ژوئیه ۲۰۱۳ تا آخر ژوئن ۲۰۱۴ (۱۰ تیر ۱۳۹۲ تا ۹ تیر ۱۳۹۳)، تعداد اعدام شدگان در ایران به رقم کم سابقه ۸۵۲ نفر رسیده است.

تعداد اعدام در سال ۲۰۱۴ در حالی صورت گرفته که روند صدور احکام اعدام در ایران در یک دهه گذشته، رو به افزایش بوده است.

احمد شهید، هم چنین با اشاره به حمله ماموران به بند ۳۵۰ زندان اوین و ضرب و شتم زندانیان این بند در فروردین ماه گذشته، یادآوری کرده که در میان مضروب شدگان، جمعی از روزنامه نگاران زندانی نیز وجود داشته اند.

در بخش‌های دیگری از گزارش، رواج اعتراف‌گیری تحت شکنجه، فشار بر وکلای زندانیان و ادامه نقض حقوق اساسی زنان، فعالان مدنی و اقلیت‌های مذهبی، قومی و جنسی مورد انتقاد قرار گرفته است.

حکومت اسلامی، غارت و چپاول و بحران‌های اقتصادی خود را به دوش کارگران و محرومان جامعه انداخته است. در حالی که خط فقر رسمی حداقل ۳ برابر حداقل دستمزد است و جمعیت بیکار و گرسنه در این مملکت «اسلام» بیش تر از جمعیت شاغل است، دیگر هیچ کس از تهدید و سرکوب و زندان و اعدام نمی‌هراسد. به عبارت دیگر کارد به استخوان مردم رسیده است.

به گزارش خبرگزاری «مهر»، صندوق بین‌المللی پول اعلام کرده نرخ بیکاری در ایران نه تنها در زمان دولت حسن روحانی کاهش نخواهد یافت، بلکه افزایش خواهد یافت.

اطلاعات مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که پائیز سال ۹۲ اوج نزول مشارکت اقتصادی زنان بوده است. شاخص مشارکت اقتصادی در پائیز ۹۲ در میان مردان ۱/۶۲ درصد و در میان زنان ۱۱/۳ درصد عنوان شده است.

موضوع اشتغال زنان، از جمله زنان تحصیل کرده نیز چالش جدیدی در جامعه ایران است. نزدیک به ۶۵ درصد ورودی‌های کنکور را دانشجویان دختر تشکیل می‌دهند اما بخش بزرگی از آن‌ها پس از اتمام تحصیلات خود، جذب بازار کار نمی‌شوند.

در دی ماه ۱۳۹۲، در «همایش ملی بانوان» گفته شد که تنها ۲۵ درصد زنان تحصیل کرده ایران وارد بازار کار می‌شوند و باقی‌مانده در این همایش تأکید شد که نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۷/۱۳ درصد است. محسن

رنانی، اقتصاددان ایرانی در همایش یاد شده گفت: «در سال ۱۳۶۶ این نرخ ۹/۱۲ درصد بوده و در این ۳۵ سال تنها ۸/۱ درصد رشد کرده است.»

گروه توسعه انسانی سازمان ملل با انتشار گزارشی اعلام کرد که ایران، از نظر نابرابری زن و مرد در میان ۱۵۲ کشور جهان، دارای رتبه ۱۰۹ است. بر اساس همین گزارش، رتبه ایران در سال گذشته از این نظر ۱۰۷ اعلام شده بود. به این ترتیب ایران در رده بندی جهانی نابرابری جنسیتی، طی یک سال اخیر، دو پله دیگر سقوط کرده است.

در این گزارش، در مقایسه بین وضعیت زنان ایران با سایر کشورها، به خصوص کشورهای منطقه، نشان می دهد که نابرابری موجود در ایران تا کجا تا چه اندازه ظالمانه و غیرانسانی است. بنا به همین گزارش، موقعیت زنان در کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس، اکثرا بالاتر از موقعیت زنان ایران است. مثلا رتبه امارات ۴۳، رتبه کویت ۵۰، رتبه عربستان ۵۶ و رتبه ترکیه ۶۹، و رتبه تونس ۴۸ اعلام شده است.

شاید در هیچ جای دنیا، زنان به خاطر پوشش، به اندازه زنان ایران مورد تحقیر و آزار و بازداشت قرار نمی گیرند. اما با این وجود سران و مقامات و امام جمعه ها، به عناوین مختلف داد و فعان راه می اندازند که زنان حجاب و عفاف را رعایت نمی کنند تا از این طریق سرکوب زنان را تشدید کنند.

حکومت اسلامی، علاوه بر تحمیل محدودیت های اجتماعی و اقتصادی بیش تری بر زنان، همواره بر علیه زنان طرح های مختلفی را به اجرا درمی آورد؛ طرح تفکیک جنسیتی در اتوبوس ها، پارک ها، دانشگاه ها، ادارات، ورزشگاه ها و... را به مرحله اجرا می گذارد.

تبعیض و نابرابری علیه زنان ایران، طی یک سال گذشته، یعنی یک سالی که شیخ حسن روحانی روی کار آمده، شدیدتر شده است. زنان ایران، در محیط های کار، مدرسه و دانشگاه، کوچه و خیابان، به طور روزمره با تهدید و سرکوب و توهین مواجه هستند.

به گزارش خبرگزاری های حکومتی، طرح غیرانسانی جداسازی جنسیتی حکومت اسلامی ایران، که اول بار در شهرداری تهران و توسط پاسدار قالیباف، شهردار تهران به اجرا درآمده، اکنون به دیگر ارگان های حکومتی نیز گسترش یافته است.

قالیباف در این باره گفته است: «نباید اجازه بدهیم یک خانم در طول وقت اداری و طی روزها و ماه ها ساعت های تماس و معاشرتش با نامحرمان بیش تر از محرم و شوهر و فرزندش باشد. غیرت ما کجا رفته؟»
بیش از ۱۸۳ نماینده مجلس رژیم نیز از این طرح زن ستیزانه که توسط شهردار تهران هدایت و اجرا شده است، تقدیر کردند و آن را «توجه ویژه و تکریم بانوان» خواندند.

بر اساس یک مصوبه شورای معاونان و شهرداران در روز ۲۷ اردیبهشت ماه سال جاری «کلیه مدیران ارشد و میانی، می بایست صرفا از نیروهای کارمند مرد جهت سمت هائی مانند مسئول دفتر، منشی، اپراتور تلفن، تایپیست و مسئول پیگیری و... که در محدوده دفتر کار مدیران اشتغال دارند، استفاده کنند» (خبرگزاری حکومتی ایسنا ۲۵ تیر ماه).
در ادامه اجرای این سیاست آپارتاید جنسی، شهرداری تهران درصدد است نیمکت های داخل پارک ها را برای استفاده دختران و پسران جداسازی کند.

دانشگاه علم و صنعت تهران نیز طرح سرکوبگرانه ای زیر عنوان «منشور اخلاقی» منتشر کرده که بر اساس آن «اختلاط دانشجویان دختر و پسر در فضای دانشگاه مجاز نیست». ممنوعیت استفاده از عطر و ادکلن از دیگر قوانین این آئین نامه است.

اظهار نظر معاون رئیس جمهور درباره گشت های ارشاد، استفتاء از علما و روحانیون برای قانون ازدواج فرزندان خوانده با سرپرست، تشریح سفر معاون رئیس جمهور به نیویورک، اتمام تدوین تشکیلات معاونت زنان و مهم ترین محور های نشست خبری مولوردی معاون رئیس جمهور و امور زنان و خانواده بود.

شهیندخت مولوردی، اخیرا در نشست خبری خود، در پاسخ به خبرنگاری درباره اقدامات امور زنان و خانواده در زمینه گشت ارشاد توضیح داد: «برای پاسخ به این سؤال باید به راهکار های قانون حجاب و عفاف اشاره کنم که گشت ارشاد نیز متعاقب این قانون شکل گرفت. در قانون حجاب و عفاف ۲۶ دستگاه در توسعه راهکار های فرهنگ عفاف و حجاب نقش دارند و اگر اقدامات و سیاست های نرم موثر واقع نشده در نهایت باید منجر به مداخله نیروی انتظامی شود.»

بنا به برخی آمارها که گفته می شود ۶۰ تا ۶۵ درصد از کل دانشجویان را دختران تشکیل می دهند؛ در سال های اخیر مسئولین حکومتی با ممنوع کردن و محدود کردن شرکت دختران دانشجو در بعضی رشته ها و اعمال تبعیض جنسیتی به زیان دختران، سعی کرده اند این نسبت را تغییر بدهند و مانع ورود بیش تر دختران به دانشگاه ها بشوند.

ایجاد دانشگاه های مخصوص زنان و مردان، محدود کردن بسیاری از رشته های دانشگاهی برای زنان و ممانعت از تحصیل در بسیاری از رشته های تحصیلی برای زنان از دولت احمدی نژاد شروع شد و هم چنان در دولت حسن روحانی ادامه می یابد. بسیاری از کتب درسی و آموزشی عوض شده و بسیاری از رشته ها و کتب فقط به مردان اختصاص یافته است. در گذشته شاهد تفکیک جنسیتی در بیمارستان ها، بانک ها، بعد دانشگاه ها بوده ایم.

تفکیک جنسیتی طرحی است که در راستای اسلامی کردن مجامع عمومی سال های سال مطرح بوده است. این طرح در دو دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد بیش از پیش مورد توجه قرار داشت. به نظر می رسد وزارت علوم دولت روحانی راهکارش در این مورد را بیش از تفکیک جنسیتی در دانشگاه ها، تشکیل دانشگاه تک جنسیتی است.

حق انتخاب رشته دلخواه برای ادامه تحصیل در برخی رشته ها از زنان ایران گرفته شده است و مطالبات زنان در این مورد بی نتیجه بوده است.

این نوع تلاش های ارتجاعی حکومت اسلامی علیه زنان، نشان دهنده مقابله و مخالفت مردم با فرهنگ ایدئولوژی اسلامی و مردسالاری ارتجاعی و مقاومت زنان در مقابل این فرهنگ قرون وسطائی است که سران حکومت را به وحشت زده می کند.

آملی لاریجانی رئیس قوه قضائیه حکومت، به صحنه می آید و می گوید: «قوانین مربوط به امور فرهنگی نباید تضعیف شود» و «مباحث فرهنگی برای ما اصالت دارد و دغدغه فرهنگی، دغدغه اصلی انقلاب است.»

او می افزاید: «دغدغه دل سوزان انقلاب درباره وضع حجاب، صرفا به دلیل مسأله پوشش نیست، بلکه گاهی پوشش آشکارکننده مسائل دغدغه آفرین دیگری است، زیرا ممکن است زیربنای فرهنگی یک ملت مورد تهاجم قرار گرفته باشد که این تهاجم خود را در وضع حجاب بروز می دهد.»

او، حکم می کند: «برخورد با متخلفان در همه وجوهش باید سرلوحه کار دستگاه های اجرایی، قضائی و انتظامی کشور باشد.» (کیهان ۲۰ شهریور ۹۳)

کیهان می نویسد: «ترویج بی حجابی به عنوان یک راهبرد جنگ فرهنگی در دستور کار دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی قرار دارد و جای سؤال است که چرا درباره وجود حجاب، به تردیدافکنی و تشکیک در این زمینه می پردازند.»

حداد عادل، در تحمیل فرهنگ به اصطلاح اسلامی ارتجاعی بر مردم و به خصوص زنان و جوانان، می نالد و می گوید: «بله باید اقناع صورت گیرد البته عده ای هم هستند که اقناع نمی شوند و قانون شکنی می کنند، قانون مسیر

خودش را دارد.» (ابتکار ۲۰ شهریور ۹۳) روزنامه جوان ارگان بسیج، می‌نویسد: موج «توهین به مقدسات اسلامی و باورهای انقلابی» آغاز شده و روندی صعودی را تجربه کرده و امروز وارد فاز تازه ای شده و پیش بینی می‌شود در طول ماه های آتی گستره بیش تری به خود بگیرد.» (جوان ۲۰ شهریور ۹۳) این ارگان بسیج، با تأکید به «تضعیف غیرت و تعصب دینی»، شیون راه می‌اندازد.

ممانعت از ورود زنان به ورزشگاه های فوتبال تازه ای نیست. سال هاست که این نابرابری بر زنان کشور اعمال می‌شود. اما همیشه در طول این سال ها زنان حق تماشای مسابقات والیبال و بسکتبال و برخی از رشته های رزمی را داشتند. در حالی که در دولت حسن روحانی که مدعی ایجاد حق برابر بین زن و مرد است زنان از ورود به ورزشگاه ها برای تماشای مسابقات لیگ جهانی هم محروم شدند. گروهی از زنان در روزهای اخیر توسط نیروی انتظامی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و بازداشت شدند.

در دولت های قبلی، زنان سهم اندکی برای تماشای ورزش های قهرمانی در ورزشگاه ها وجود داشت که با عنایت دولت «تدبیر و امید»، همراه با لبخند سهم زنان از تماشای ورزش های قهرمانی به صفر رسیده است.

از سوی دیگر «مصطفی پورمحمدی» وزیر دادگستری دولت روحانی که عضو «هیات مرگ» سه نفره در سال ۶۷ بود که با فرمان خمینی، هزارن زندانی سیاسی را اعدام کردند از آمار ۲۰ درصدی طلاق و وجود ۱۴ میلیون پرونده طلاق در کشور خبر داد. او این آمار را برانزده نظام اسلامی ندانست در حالی که با نگاهی به کارنامه حکومت اسلامی در طول سه دهه گذشته به وضوح نمایان می‌شود که در همه ارگان های این حکومت را فساد گرفته است.

علاوه بر مشکلات اقتصادی، اعتیاد نیز به عنوان عاملی اساسی در رسیدن ازدواج به طلاق، در ایران به شمار می‌آید. به گزارش وب سایت همشهری آنلاین، وزیر کشور، «عامل ۵۰ درصد از طلاق های کشور را اعتیاد می‌داند.» این آمار در حالی ارائه شده است که به گفته رئیس سازمان ثبت احوال کشور، «آمار طلاق در کشور به یک طلاق در برابر هر ۵/۵ ازدواج رسیده است و در تهران، البرز و سایر کلان شهرها از هر سه ازدواج، یک مورد به طلاق منجر می‌شود.»

معاون اجتماعی نیروی انتظامی در اختتامیه جشنواره رسانه، نظم و امنیت عمومی، از ثبت یک طلاق به ازای هر ۳/۵ ازدواج در تهران خبر داده است. بر اساس گزارش ارائه شده از سوی این مقام مسئول، «از هر ۱۱ طلاق در کشور و در خوش بینانه ترین حالت از هر هفت طلاق در تهران و کلان شهرهای دیگر»، یکی از آن ها با اعتیاد «ارتباط مستقیم» دارند.

حکومت اسلامی که مصطفی پورمحمدی از آن سخن می‌گوید حکومتی ست که در آمار اعتیاد، رشوه، دزدی، زنان خیابانی، فقر، طلاق، تعداد زندانیان، فساد اداری، فساد اقتصادی، آلودگی محیط زیست و ... در صدر قرار دارد.

در حالی که یکی از وعده های مهم شیخ حسن روحانی در دوره تبلیغات ریاست جمهوری اش، بهبود وضعیت زنان بود. در دولت احمدی نژاد، چند صباحی یک زن به عنوان وزیر بهداشت بر سر کار آمد، اما در دولت حسن روحانی که وعده تشکیل وزارت زنان را داده بود در حالی که در لیست ۳۳ نفره کابینه اش سهم زنان صفر درصد بود. البته احمدی نژاد هم گفته بود: «آیا مشکل جوانان ما بیرون بودن تار موهایشان است.» در حالی که دیدیم چگونه جوانان را سرکوب کرد!

حسن روحانی در تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری یازدهم وعده هائی درباره گشت ارشاد و حفظ حرمت و کرامت زنان توسط نیروی انتظامی داده بود:

۱- «کاری می‌کنم دختران احساس امنیت کنند. نخواهم گذاشت ماموری بی نام و نشان از کسی سؤال کند. دختران جامعه خود حافظ حجاب و عفاف هستند.»

۲- «فرهنگ دنیای وسیعی دارد. در زمینه فرهنگی، بگیر و ببندها جای پائی نباید داشته باشد. دنیای فرهنگ، ساز و کار فرهنگی دارد. باید در دنیای فرهنگ، مسائل را از طریق فرهنگی و با ابزار فرهنگی حل کنیم؛ نمی‌شود با نیروی پلیس مشکلات فرهنگی را حل کرد.»

در حقیقت روحانی در وعده های انتخاباتی اش، این گونه تظاهر می کرد که طرفدار نگاه دیگری به حقوق زنان است. اما عملاً دیدیم که او پس از رسیدن به ریاست جمهوری، نه تنها کلیه وعده هایش به زنان را کنار گذاشت، بلکه مجدد گشت ارشاد را به خیابان ها آورد و به جان جوانان و زنان انداخت.

برای ایجاد رعب و وحشت، حضور زیاد نیروهای ارشاد و انتظامی در خیابان ها چشم گیر است. به این شکل تجمع نیروی نظامی با اسلحه های نیمه اتوماتیک و ماشین های پلنگی به خصوص در سواحل شمال کشور در فضا تابستان، یک نوع حکومت نظامی محسوب می شود. سهم زنان در این میان، باز هم چون گذشته تحقیر و توهین، بازداشت و زندان و دادگاه در شهرها و روستاهای ایران است.

شیخ حسن روحانی، هم چنین روز جمعه چهارم مهر ۱۳۹۳، با کریستین امانپور، خبرنگار شبکه تلویزیونی «سی.ان.ان» گفتگو می کرد، در پاسخ به پرسشی در خصوص بازداشت روزنامه نگاران در ایران گفت: «البته فکر نمی کنم فردی به خاطر روزنامه نگاری، یا به خاطر فعالیت رسانه ای دستگیر شده باشد. یک فرد می تواند یک خبرنگار و یک گزارشگر باشد و جرم مرتکب شود.» طبق این گزارش، روحانی اضافه کرده است: «چنین جرمی ضرورتاً می تواند با شغل و حرفه آن ها مرتبط نباشد.»

در حالی حسن روحانی، چنین ادعا را پیش می کشد که حتی اخبار و گزارشات روزنامه های حکومتی ایران نیز، خبر از تهدید روزنامه نگاران و نویسندگان و وب نویسان می دهند.

به گزارش خبرگزاری حکومتی «ایرنا»، یکشنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۳، دادگاه تجدیدنظر هشت فعال در فیس بوک که پیش تر از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به اتهاماتی نظیر اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، فعالیت تبلیغی علیه نظام، توهین به مقدسات و غیره به ۱۲۷ سال حبس محکوم شده بودند، صبح روز یکشنبه ۱۶ مهر ماه در شعبه ۵۴ دادگاه انقلاب برگزار شد.

هم چنین نهادهای بین المللی مانند «گزارشگران بدون مرز» می گوید، شمار زیادی از فعالان رسانه ای در ایران در بازداشت به سر می برند. گزارشگران بدون مرز با صدور بیانیه ای نگرانی خود را از موج احضار و بازداشت روزنامه نگاران و وب نگاران در ایران خصوصاً فعالان رسانه ای زن اعلام کرده است؛ در این بیانیه آمده است که هم اکنون ۱۰ روزنامه نگار و وب نگار زن در ایران زندانی هستند که ۷ تن از آنان به زندان های بین ۶ ماه تا ۲۰ سال محکوم شده اند.

ایران در رده بندی جهانی آزادی مطبوعات در سال ۲۰۱۴، از میان ۱۸۰ کشور در رده ۱۷۳ قرار دارد. گزارشگران بدون مرز، در خرداد ماه سال جاری، حسن روحانی را به تحقق وعده های انتخاباتی خود فرا خوانده و تأکید کرده بود که در دوران ریاست جمهوری او هنوز «موج بازداشت فعالان رسانه ای ادامه دارد.»

طبق اعلام این سازمان، هم اکنون ۵۸ روزنامه نگار و شهروند وب نگار در زندان های ایران به سر می برند که ۲۵ تن از آنان در فاصله یک سال گذشته بازداشت و زندانی شده اند.

روزنامه وطن امروز، رسانه نزدیک به سپاه پاسداران شهرت دارد، در مطلبی نوشت که جیسون رضائیان مدیرت تهیه ویدیوی موسوم به «هپی» را به عهده داشته است.

حکم دادگاه اعضای سازنده ویدیو موسوم به «هپی» به صورت غیررسمی توسط دادگاه اعلام شده و به موجب این حکم همگی اعضاء سازنده ویدیوی هپی به ۹۱ ضربه شلاق تعلیقی محکوم شده اند. هم چنین ریحانه طراوتی به ۱۲ ماه حبس تعلیقی و دیگر سازندگان این ویدیو به ۶ ماه حبس تعلیقی محکوم شده اند.

گروه سازنده ویدیو کلیپ «هپی» به نام های ساسان سلیمانی، ریحانه طراوتی، ندا موتمنی، افشین سهرابی، بردیا مرادی، رهام شامخی و «سپیده» هستند که در روز ۱۸ شهریور ماه ۱۳۹۳، در دادگاهی به ریاست قاضی حیدری متهم به «مشارکت در ساخت کلیپ مبتذل» و «روابط نامشروع بین اعضای این گروه» شدند. در جلسه دادگاه تمامی عوامل هپی به همراه پنج وکیل خود حضور داشتند.

حکومت اسلامی ایران، همواره عامل تشنج و بی ثباتی در منطقه است. این حکومت، تلاش می کند سرخ سیاست را در عراق در دست داشته باشد. انتخاب هیچ نخست وزیری در عراق بدون رضایت ایران امکان پذیر به نظر نمی رسد. از زمان سرنگونی صدام حسین در سال ۲۰۰۳ ایران نفوذ خود در کشور همسایه اش را بسیار گسترش داده است.

حکومت اسلامی ایران، در عرصه نظامی نه تنها از ارتش عراق، بلکه از شبه نظامیان شیعه مذهب نیز پشتیبانی می کند. شهرهای نجف و کربلا از مقدس ترین اماکن شیعه مذهب ها است. سالانه صدها هزار زائر عراقی و ایرانی به این مناطق سفر می کنند. عراق برای ایران از نظر استراتژیک اهمیت فراوانی دارد از این رو، سپاه قدس مناطق شیعه نشین لبنان تا سوریه و عراق حضور دارند.

منافع سیاسی، استراتژیک و مذهبی حکومت اسلامی ایران در عراق، با شروع حمله نیروهای «خلافت اسلامی» یا همان (داعش سابق) به خطر افتاده است. ایران برای مقابله با پیشرفت این گروه با دشمن بزرگ خود، یعنی آمریکا هم پیمان شده است. خلافت اسلامی که پس از تصرف بخش های گسترده ای در شمال و غرب عراق اکنون تهدیدی جدی برای اماکن مقدس شیعیان است، امروز دشمن مشترک ایران و آمریکا به شمار می رود.

نیروهای ویژه پاسداران حکومت اسلامی ایران در حال حاضر در عراق بر علیه شبه نظامیان سنی وارد جنگ شده اند. آمریکا و متحدانش نیز حمله هوایی به خلافت اسلامی را ادامه می دهند. ایران و آمریکا هر دو، از دولت مرکزی عراق و کردها پشتیبانی می کنند.

خبرگزاری رویترز در گزارش مفصلی به شواهد و دلایلی اشاره کرده که از حضور نیروهای سپاه قدس ایران در عراق و سوریه حکایت دارد. کشته شدن سه عضو سپاه پاسداران در ماه گذشته در عراق یکی از این شواهد است.

خلبان شجاعت غلمداری مروجانی، علیرضا مشجری و کمال شیرخوانی سه عضو «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» هستند که در سال جاری در عراق کشته شده اند.

کشته شدن این سه تن در خاک عراق را که از سوی مقامات ایران نیز تأیید شده، نیروهایشان را به داخل این کشور فرستاده اند.

حسن روحانی گفته بود که تنها در صورت درخواست دولت عراق، به این کشور کمک نظامی خواهد شد اما در عین حال فتوای آیت الله مکارم شیرازی را نیز نقل کرده که جهاد در عراق را واجب دانسته و کشته شدگان این راه را «شهیدانی» خطاب کرده بود که به «شهدای کربلا» می پیوندند.

بر اساس این گزارش، سپاه پاسداران ایران در هفته های اخیر حمایت های مالی و نیز ارسال اسلحه به گروه های شبه نظامی شیعه در عراق را افزایش داده است.

بعد از خروج نیروهای آمریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱، ایران همواره از سوی ایالات متحده متهم شده که شبه نظامیان شیعه عراق را تجهیز می کند و به آن ها آموزش و سلاح می دهد تا با نیروهای آمریکایی و نیز سنی ها بجنگند.

یک مقام عالی رتبه امنیتی در عراق که نخواست نامش فاش شود به رویترز گفته است که ایران در حال حاضر بیش از ۲۰ هزار تن از شبه نظامیان عراقی را از نظر مالی و نیز آموزش های نظامی تأمین می کند. این گروه در جنوب عراق از سامرا تا بغداد مستقر هستند و به میان مناطق کشاورزی جنوب بغداد نیز نفوذ کرده اند.

این مقام امنیتی، هم چنین اضافه کرده که هزاران جنگجوی عراقی که به منظور کمک به دولت بشار اسد به سوریه فرستاده شده بودند، از این کشور به عراق بازگردانده شده اند. برخی از این جنگجویان به نیروهای امنیتی و برخی دیگر به وزارت کشور و وزارت دفاع عراق پیوسته اند.

بر اساس گفته های این مقام امنیتی عراق، ده ها تن از اعضای حزب الله لبنان نیز هم اکنون در عراق هستند. حزب الله لبنان بیش از دو سال است که در سوریه و در کنار نیروهای بشار اسد با مخالفان او در حال جنگ است. اخیراً یکی از فرماندهان حزب الله به نام ابراهیم الحاج که در سال ۲۰۰۶ در لبنان علیه اسرائیل می جنگید، در نزدیکی موصل کشته شد. رویترز جمع شدن این نیروها در عراق را نشانه ای از یک جنگ بین مسلمانان شیعه و سنی دانسته است.

نیروهای سپاه قدس قبل از عراق در سوریه نیز حضور داشتند. هرچند مقامات دولت ایران حضور نیروهای نظامی این کشور در سوریه را تکذیب می کردند اما سایت های وابسته به سپاه، فیلم هایی از حضور این نیروها در داخل خاک سوریه را منتشر کردند.

مؤسسه تحقیقات استراتژیک در لندن چهارشنبه دوم ژوئیه ۲۰۱۴، اعلام کرد که ایران دست کم سه جنگنده «سوخوی ۲۵» در اختیار نیروی هوایی عراق گذاشته است. در گزارش این مؤسسه آمده بود که شماره سریال این جنگنده ها و شکل و شمایل استتاری آن ها به نیروی هوایی ایران تعلق دارند.

وزارت دفاع عراق رسماً اعلام کرده است که چندین فروند جنگنده دست دوم سوخو از روسیه و بلاروس خریده است. گفته می شود که جنگنده های ارسالی از سوی ایران، همان جت های عراقی هستند که در جنگ دوم خلیج فارس به ایران رفتند تا به چنگ آمریکائی ها نیفتند. پس از پایان جنگ خلیج فارس، جمهوری اسلامی ایران این جنگنده ها را پس نداد و به عنوان بخشی از غرامت جنگ هشت ساله نزد خود نگاه داشت.

خبرگزاری «ایرنا» در روز شنبه ۱۴ تیر از کشته شدن یک سرهنگ خلبان به نام «شجاعت علمداری مورجانی» در سامرا خبر داد. تشییع جنازه او روز ۱۳ تیر در نماز جمعه شیراز و در برابر حرم شاه چراغ برگزار شده و محل خاک سپاری او، روستای «خانمه خمیس» در منطقه دارنگون شیراز بوده است.

حرمین عسکرین در سامرا قرار دارند و بمب گذاری القاعده در آن ها در هشت سال قبل، منازعات خونینی میان شیعیان و سنی ها ایجاد کرد که به بهای جان هزاران نفر تمام شد.

مدافعان حرم، بخشی از نیروهای سپاه قدس به فرماندهی قاسم سلیمانی هستند. این سپاه که شاخه برون مرزی سپاه پاسداران ایران خوانده می شود، در جنگ داخلی سوریه نیز حضور داشته و دارد. مقامات حکومت اسلامی این حضور را تکذیب نکرده اند و مدعی هستند که همکاری نیروهای قدس در سوریه، جنبه آموزشی و پشتیبانی دارد.

در نخستین روزهای پیشروی داعش در عراق، خبرهای تأیید نشده از حضور قاسم سلیمانی موسوم به «حاج قاسم» در بغداد حکایت می کردند. روزنامه «گاردین» چاپ لندن روز ۱۲ ژوئن در گزارشی نوشت که سلیمانی برای دیدار با رهبران گروه های شبه نظامی شیعی و روسای قبائل و به منظور «تدارک دفاع از بغداد» وارد پایتخت عراق شده است. حسن روحانی، روز چهارشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۹۳ - ۱۸ ژوئن ۲۰۱۴، در سخنرانی خود در لرستان که از تلویزیون ایران پخش می شد، به «همه ابر قدرت ها، مزدوران، آدم کشان و تروریست ها» هشدار داد که «ملت ایران» همه تلاش خود را برای محافظت از اماکن مقدس شیعیان در کربلا، نجف، کاظمین و سامرا خواهد کرد.

حسن روحانی که روز چهارشنبه در ورزشگاه تختی شهرستان خرم آباد سخنرانی می کرد، گفت که «طومارهای فراوان نوشته اند» مبنی بر این که آماده اند تا برای دفاع از حرم های امامان شیعه به عراق بروند و «تروریست ها را به جای خود بنشانند.»

روز ۲۷ خرداد نیز این خبر منتشر شد که نهادی موسوم به «ستاد مردمی دفاع از حریم تشیع» در ایران مشغول نام نویسی «افراد داوطلب» برای اعزام به عراق است

سخنان روحانی و همه این اقدامات بلافاصله واکنش عربستان سعودی را برانگیخت. وزیر امور خارجه عربستان، سعود الفیصل، نسبت به دخالت خارجی در کشمکش عراق هشدار داد و گفت که عربستان سعودی هر گونه دخالت در اوضاع عراق را رد می کند. او گفت که مطالبات به حق مردم عراق و آرزوی آنان برای وحدت ملی باید برآورده شود. وزیر امور خارجه عربستان که در حاشیه دیدار خود با نمایندگان کشورهای اسلامی در جده با خبرنگاران سخن می گفت افزود که کشمکش عراق ممکن است منجر به جنگ داخلی شود و پیامدهای چنین جنگی برای منطقه روشن نیست. ایران و عربستان سعودی بر سر کسب هژمونی و قدرت بیش تر در منطقه خاورمیانه با هم رقابت می کنند.

ایران حدود ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با عراق دارد و به شدت مایل است برای حفظ هژمونی خود، شیعیان و حکومت شیعه عراق را در برابر داعش سنی، مرتب آموزش دهد و مسلح نماید.

در گزارشات آمده است که هواپیماهای باری ایرانی هر روز دو بار به بغداد پرواز می کنند و هر بار با خود ۷۰ تن تجهیزات نظامی برای نیروهای امنیتی عراق می برند.

یک مقام عراقی روز شنبه ۱۴ ژوئن ۲۰۱۴، تأیید کرده بود که قاسم سلیمانی به همراه ۶۷ مشاور ارشد نظامی ایران به عراق سفر کرده و هم اکنون فرماندهی عملیات نیروهای عراقی را عهده دار شده است.

این مقام عراقی افزوده بود: «سلیمانی سلاح های سبک و نیمه سنگین، موشک و تیربارهای سنگین و مقدار قابل توجهی مهمات به همراه خود به عراق آورده است.»

کمک های حکومت اسلامی ایران برای تقویت دولت عراق، در شرایطی انجام گرفت که آمریکا نیز صدها مشاور نظامی را به عراق و کردستان عراق اعزام کرده که ظاهراً وظیفه دارند به حکومت عراق در تأمین ثبات و امنیت یاری دهند.

در این میان، هم مقامات آمریکائی و هم مقامات ایرانی وجود هر نوع همکاری با هماهنگی میان خود را در عراق انکار کرده اند. آمریکا به همکاری با ایران در عراق علاقه مند است، اما مایل نیست که این کشور نفوذی بیش تر در عراق پیدا کند.

برخی از مقامات حکومت اسلامی ایران، همکاری با آمریکا در عراق را منتفی ندانسته اند، اما ظاهراً خامنه ای با هرگونه دخالت آمریکا در عراق مخالفت کرده است.

هم چنین شبکه خبری «سی.ان.ان» گزارش داده بود که حکومت اسلامی ایران، سه واحد از سپاه پاسداران را به عراق اعزام کرده است. این شبکه خبری این موضوع را از قول یک مقام بلندپایه عراقی در بغداد نقل کرده است.

بر اساس این گزارش، با پیشروی سریع نیروهای مسلح داعش از شمال به سوی بغداد، حدود ۵۰۰ عضو سپاه پاسداران وارد عراق شده و در غرب استان دیاله در کنار ارتش عراق در دفع نیروهای داعش در نبرد شرکت دارند.

مجموعه این وقایع عراق و سوریه نشان می دهد که دولت عراق و سوریه به حالتی به شدت لرزان وارد شده اند و این خود زمینه را برای افزایش خطر تجزیه فرقه ای و ادامه جنگ های خونین مذهبی در این کشور را فراهم کرده است. یعنی سناریوی تقسیم عراق به ۳ منطقه سنی نشین و شیعه نشین و کردنشین و هم چنین سوریه. در حال حاضر اولین

بخش این سناریو، عملاً در بخش هائی از کشورهای عراق و سوریه، با اعلام خلافت اسلامی اجرا شده است. اما خطر بزرگ تر رسمیت یافتن این تقسیم عراق است که ژئوپلتیک خاورمیانه را دستخوش دگرگونی های عمیقی خواهد کرد. از سوی دیگر واقعیت این است که به دلایل گوناگون و از جمله دخالت دایمی سپاه قدس حکومت اسلامی ایران در عراق و سوریه و لبنان نیز برای جامعه ایران فاجعه بار است. به عبارت دیگر حکومت اسلامی ایران در عراق، رسماً و علناً وارد جنگ مذهبی با سنی مذهب ها شده است از این رو، بادی انتظار داشت که این جنگ فرقه ای مذهبی به داخل ایران کشیده شود.

گفته می شود که نوری مالکی نخست وزیر سابق عراق، با حمایت سپاه قدس، نیروئی خارج از ارتش را به نام «دجله» سازماندهی کرد تا از این طریق بتواند بر مناطق سنی نشین و مناطق کردنشین خارج از حوزه استحفاظی اقلیم کردستان مسلط شود. در حال حاضر حتی سازمان ملل نیز این نیرو را محکوم کرده است.

از طرف دیگر سنی ها که روز به روز شاهد به حاشیه رانده شدن از صحنه سیاست بودند با قیام مردم سوریه جان تازه ای گرفتند. در جنگ داخلی سوریه، گروه های سنی مذهب هم چون داعش قدرت بی سابقه ای گرفتند و توسط حکومت های عربستان سعودی و قطر و ترکیه با حمایت آمریکا و متحدانش آموزش های نظامی دیدند و به منابع مالی و سلاح های عظیمی دست یافتند.

حکومت اسلامی ایران، در صدد انتقام شیعیان لبنان، بحرین، عراق، سوریه و عربستان است و عربستان سعودی، به دنبال انتقام سنی های سوریه، نفوذ ایران در لبنان و بازگرداندن بغداد به محور اعراب سنی است.

هر چند ترکیه نیز تلاش می کند با حمایت از خواست سنی ها رهبری این بحران را بر عهده بگیرد. اما پیچیدگی بحران سوریه و عدم موفقیت ترکیه، این کشور را وا داشت که از عراق فاصله بگیرد.

اما در میان این کشورها، برای حکومت اسلامی ایران، عراق و سوریه و لبنان ارزش حیاتی دارد. ارزشی استراتژیک که امنیت و منافع این حکومت را شامل می شود.

بنابراین، همه طرفین درگیر در جنگ داخلی عراق و سوریه، اجازه نخواهند داد که این کشورها به ثبات و امنیت برسند و باعث تقویت خواسته های شهروندان شوند.

شیخ حسن روحانی در ابتدای به قدرت رسیدن حکومت اسلامی، نخست به خمینی و سپس به رفسنجانی نزدیک شد و همواره جزو مقام های رده بالای حکومت بوده است. او از جمله: ۵ دوره نماینده مجلس؛ دو دوره معاون اول رئیس مجلس (معاون رفسنجانی)؛ دو دوره رئیس کمیسیون دفاع (معاون رفسنجانی)؛ دو دوره رئیس کمیسیون سیاست های خارجی؛ ریاست شورای سرپرستی سازمان صدا و سیما از ۵۹ تا ۶۲؛ ریاست ستاد قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۶)؛ فرماندهی پدافند هوایی کل کشور (از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۰)؛ معاونت جانشین فرماندهی کل قوا از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۸ بود.

روحانی، از زمان تشکیل شورای عالی امنیت ملی، تا ریاست جمهوری، نماینده خامنه ای در این ارگان سرکوب و وحشت و ترور بوده است. او به مدت ۱۶ سال (از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴) در دوره های ریاست جمهوری رفسنجانی و خاتمی، دبیر شورای عالی امنیت ملی (بالاترین ارگان امنیتی حکومت) بود.

روحانی، هم چنین به مدت ۱۳ سال (از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ و از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴)، مشاور امنیت ملی رئیس جمهور وقت (رفسنجانی و خاتمی) بود.

او از سال ۱۳۷۰ به عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام، که تحت ریاست رفسنجانی است، منصوب شد و تا قبل از ریاست جمهوری در این سمت، بوده است. روحانی، ریاست کمیسیون سیاسی، امنیتی، و دفاعی را نیز در مجمع تشخیص مصلحت بر عهده داشته است.

روحانی، طی این سال ها و تا هنگام ریاست جمهوری، عضو مجلس خبرگان هم بوده است. سمت های او در مجلس خبرگان عبارت بودند از: ریاست کمیسیون سیاسی - اجتماعی خبرگان (از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ و از ۱۳۹۲)؛ عضویت در هیئت رئیسه و ریاست دفتر دبیرخانه خبرگان در تهران (از ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷).

او در کنار ستم های ذکر شده در بالا، از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸، عضو هیات امنای دانشگاه های تهران و منطقه شمال بوده و از سال ۱۳۷۱، ریاست مرکز تحقیقات استراتژیک حکومت را برعهده داشته است.

حسن روحانی، در جلد اول خاطرات خود صفحات ۵۷۱-۵۷۳ اشاره می کند که مسئول اجرای طرح اجباری کردن حجاب در ادارت مربوط به ارتش پس از انقلاب بوده است: «طرح مسأله پوشش و حجاب زنان در اسفند ۱۳۵۷ بدون مشکل نبود و تا مسئولین را به خود مشغول کرد... در گام اول، همه زنان کارمند مستقر در ستاد مشترک ارتش را که نزدیک به سی نفر بودند، جمع کردم و پس از گفتگو با آنان قرار گذاشتیم از فردای آن روز با روسری در محل کار خود حاضر شوند. زنان کارمند که همگی به جز دو یا سه نفر بی حجاب بودند، شروع کردند به غر زدن و شلوغ کردن، ولی من محکم ایستادم و گفتم: از فردا صبح دژبان مقابل درب ورودی موظف است از ورود خانم های بی حجاب به محوطه ستاد مشترک ارتش جلوگیری کند. پس از ستاد ارتش، نوبت به نیروهای سه گانه رسید. در آغاز به پادگان دوشان تپه رفتیم و همه کارمندان زن را که تعداد آن ها هم زیاد بود در سالی جمع و درباره حجاب صحبت کردم. در آن جا زن ها خیلی سر و صدا راه انداختند اما من قاطعانه گفتم: «این دستور است و سرپیچی از آن جایز نیست.» بعد توضیح دادم که ما نمی گوئیم چادر سر کنید، بحث چادر مطرح نیست، سخن بر سر استفاده از روسری و پوشاندن سر و گردن است. در نهایت، در آن جا هم گفتم به دژبان دستور داده ایم از فردا هیچ زن بی حجابی را به پایگاه راه ندهند.»

آن چه مسلم است تبعیض و نابرابری و سرکوب سیستماتیک زنان، نقض دایمی حقوق و آزادی های آنان و سرکوب جریان های برابری طلب و آزادی خواه زن و مرد در دولت حسن روحانی در جریان است و نباید کسی به سخنان عوام فریبانه او گوش فردهد. زنان که نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می دهند از حقوقی با نیمه دیگر جمعیتی ایران که مردانند، بر خوردار نیستند. نگاه حکومت اسلامی و به طور کلی اسلام به زن، نگاهی مردسالارانه و ایزاری است و مقامات و ارگان های حکومتی سعی در تبلیغ این تفکر ارتجاعی توسط ابزار های تبلیغاتی شان، وضع قانون هائی در مجلس ارتجاعی شان، تدوین طرح هائی در ارگان های پلیسی و امنیت شان دارند.

در ساختار حکومتی فاسد که مسئولان در دزدی های میلیاردی، با همدیگر مسابقه می دهند و هیچ گونه برخوردی از سوی نهادهای ذریبط با آن ها صورت نمی گیرد، همان طور که خبرگزاری مهر به نقل از یکی از اعضای هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی، به نام محمد دهقان، می نویسد: «برخی به برکت انقلاب و مسئولیتی که بر عهده داشتند امروز به سرمایه داران بزرگی تبدیل شده اند و این در حالی است که هیچ اقدامی نسبت به آن ها صورت نگرفته است و نام آن ها نیز از سوی قوه قضائیه اعلام نشده است.»

آن چه می توان تأکید کرد این است که جنگ و کشمکش سنی و شیعه در منطقه، نتیجه فشارهای حاصله از حکومت اسلامی ایران و حکومت عربستان سعودی و حامین بین المللی و منطقه ای آن هاست که سال ها مردم عراق و سوریه و لبنان تاوان آن را می پردازند.

حکومت اسلامی ایران، علاوه بر حمایت مستقیم از دولت های سوریه و عراق و حزب الله لبنان، یکی از حکومت های تأمین کننده کمک های مالی، تسلیحاتی، عملیاتی، و هم چنین آموزش دهنده گروه های اسلامی خاصی در کشورهای آفریقائی، فلسطین، بوسنی، سودان، حزب الله لبنان، ترکیه، افغانستان، بحرین، قطر و... بوده و هنوز هم هست. بنابراین،

نیروی قدس آموزش دهنده و فراهم کننده کمک های مالی و تسلیحاتی به گروه های تروریستی اسلامی در عراق و سوریه و غیره است.

در پایان، می توان به این نتیجه منطقی رسید که شیخ حسن روحانی، همانند احمدی نژاد و دیگر سران و مقامات حکومت شان، حافظ حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی است و بی شرمانه دروغ می گوید. گفته های روحانی در سازمان ملل و غیره متناقض با عملکردهای دولتش و سیاست های سرکوبگرانه اش در داخل کشور است و در خارج کشور با حمایت رهبرش خامنه ای در چارچوب «نرمش قهرمانانه»، در مقابل «شیطان بزرگ» آمریکا و متحدان آن زانو زده است. از سوی دیگر، این حکومت با تشدید سرکوب و اعدام در داخل کشور، با حضور و دخالت فعال در جنگ داخلی عراق و سوریه، عملاً وارد جنگ های فرقه ای مذهبی شده است بنابراین، متأسفانه جامعه ما هم باید در انتظار وقایع خونین و ترورهای کور هم چون عراق و سوریه باشد.

حکومت های سرمایه داری جهانی و منطقه ای شان، زیست و زندگی را به خصوص بر مردم خاورمیانه و آسیای مرکزی و قاره آفریقا بسیار سخت و دشوار و غیرقابل تحمل کرده اند. اما در این میان، روزنه هائی وجود دارد که بدون اتکا به این حکومت ها و گروه های ملی و مذهبی و فاشیستی، می توان به همسبستگی گارگری و انسانی هم چون کوبانی اتکا کرد و به یک الگوی انسانی و حکومتی جهانی رسید! الگوئی انسانی و برابری طلبانه و آزادی خواهانه و سکولار و غیر مذهبی!

چهارشنبه بیست و سوم مهر [میزان] ۱۳۹۳ - پانزدهم اکتوبر ۲۰۱۴